چهلستون اصفهان

رجائی زفره ای، محمد حسن

ماده تاریخ اتمام ساختمان چهلستون:مبارک‏ترین بناهای دنیا- 1057 هجری قمری است.

به روایتی کاخ چهلستون به سال 1118 قمری آتش گرفته«قسمتی‏ از ستونها سوخته شده:

هزار و یکصد و هجده ز هجرت نبوی‏ گذشته بود که آتش بچهلستون افتاد

کتیبه‏ای در کاخ چهسلتون است و با(مبارک باد تالار بلند ایوان‏ جمجاهی-1118)که بعد از ترمیم آتش سوی نوشته شده است.اما ظاهرا 59 سال بعد از اتمام ساختمان و 2 سال قبل از آتش سوزی و سال ترمیم یعنی‏ یکبار به سال 1116 تعمیر گردیده.بدیع الزمان نصر آبادی‏1فرزند میرزا محمد طاهر نصرآبادی(پسر صاحب تذکره مشهور)ملک الشعرای‏ دربار شاه سلطان حسین صفوی یک مثنوی مفصلی دارد که هر مصراع آن مساوی‏ 1116 قمری است.

این مثنوی خطی در مجموعه شماره 2591 کتاب خانه مرکزی‏ دانشگاه تهران موجود است و فتوکپی آن به تقاضای نگارنده و به لطف‏ (1)-بدیع الزمان فرزند میرزا طاهر نصر آبادی شاعر و ادیب و در تاریخگوئی‏ و معما مهارت داشته منصب ملک الشعرائی شاه سلطانحسین صفوی را داشته و در 1120 واندی به سن بیشتر از هفتاد سال در اصفهان وفات یافته(دانشمندان‏ و بزرگان اصفهان صفحه 87).

فاضل محترم آقای ایرج افشار در اختیار بنده گذاشته شده که با اندک تغییری‏ در اینجا نقل می‏شود:

مثنوی تاریخ تعمیر چهلستون که میرزا بدیع نصر آبادی گفته همه‏ مصرعش تایخ آن است.

ز امر بانی رسم عدالت-1116 بهار جنت آباد ولایت-1116 فروزان گوهر دریای شاهی-» مه روشن ز اسرار الهی-» در پر آب دریای امامت-» گل رنگین درای کرامت-» بر ایوان جلالش هست پیدا-» مثال پرده صوف آسمانها- ببرمش شاه چین شاه گدائی-1» بدرها کمترین چینی نمائی-» بعدلش آنقدر دنیا نوی کرد 1166 که نتواند زمرد کهنگی کرد 1116 ز مطلب در شبی گلچیده دولت» کزو اورنگ شاهی دیده زینت» حسین آن شاه ملک و کشور داد» دو صد کشور بداد اوست آباد2» بساعی خادم درگاه محمود» که جز حق نیست او را باب مقصود» چو سامان حقش مقصود باشد» بکونین عاقبت محمود باشد» دلش باشد بفکر حق لبالب» که در او نیست راه کنج مطلب» ز نو این چهلستون گردیده بر پا» بدر چله نشین شد آسمانها» بنا تجدید و طوفش کرده واجب» بحکم حق شده است از کعبه نایب» گه سیرش سپهر لاجوردی» کشد الوان بار رنگ زردی‏3 زهی بیمثل از مه تا بماهی» مکان آفتاب برج شاهی» زمین را آسمان رحم پرور» درو شاه جهان مهر منور» سواد ابر رحمت حسن سایه» فراز ماه رفعت جای پایه» زمینش میستاند از ملک باج‏4» براه او بلندی یافت معراج»

(1)-مساوی 1057 و ظاهرا افتادگی دارد

(2)-مساوی 1126 میشود

(3)-مساوی 1106 میشود

(4)-مساوی 1076 میشود و ظاهرا جروفی از آن افتاده.

ز عدل رتبه این صبح دستگاه‏1» 2بالیده‏اش یار شهنشاه» چو ماه آرا قران با مهر انور» ز زر چشمک نهد در بینی در» ستون او که جاه آرای جم شد» زاول یا علی گفت و علم شد» ز زر حمال در وی کهکشان وار» بود در دوش هریک آسمان بار» همای طره‏اش را بال وا شد» بزیرش سایه صعوه هما شد» زهی نقاش این یکتای عالم» بکار رنک روحی جان آدم» زوی امیداری روسفید است» سفیدیش دم صبح امید است» بس است این مدح از آن فردوس آئین-31116 الهی از فلک تا هست بناید» وجود پادشاهی زنتش باد» چو سامان دید باز این چرخ ثالب» بیان از سال سامان گشت طالب» قلم گویا شد و گفت آنچه گوید» از این ابیات در مصراع جوید» بدیع‏4این نور در بارالهی است» گداییهای این در بدر شاهی است» در عالم چون سگ این آستان باش» ز نقص دار در امان باش»

(1)-مساوری 1116 نمیشود

(2)-یک کلمه خوانا نیست و شاید کلمه چهارم هم(ناز)باشد

(3)-فقط یک مصرع است و مصرع دوم ندارد

(4)-بدیع سر آینده مثنوی است که علاوه بر تذکرة القبور(دانشمندان‏ و بزرگان اصفهان)در خزانه عامره و تذکره حزین شرح حال او هست.

فونسولگری و اتباع ایران در اسکندریه مصر از غالب دول در اسکندریه قونسول هست.و قونسول دولت علیه ایران‏ حاجی میرزا حبیب اللّه خان کاشی بود که هذه السنه بجهت کار گذاری جده‏ رفته.و علی الحساب حاجی محمد باقر نام تاجر که سابقا معتبر بوده و حاجی‏ میرزا علی نام ترک که سمت نیابت قونسولگری داشت به امور رعایای ایران‏ رسیدگی میکردند.در اسنکندریه قریب دویست نفر از رعیت ایران هستند که اغلب کاسب و قهوه‏چی و کاروانسرا دارند تاجر آن‏ها کم است.